

گفت‌وگو با داود کیانیان، نویسنده و کارگردان

تئاتر کودک ونوجوان متولی ندارد

آر.وی.ن مؤذن



عکس: ایران تناتر

فیلم‌های کودک ما تا چه اندازه می‌توانند قابل‌مقایسه با آثار خارجی باشند، اصلا نمایش‌های کودک و نوجوان از قدر به‌روز هستند که بتوانند مخاطبان را جذب کنند و آنها را به تماشاگران دائمی تئاتر کودک تبدیل کنند.

تئاتر کودک و نوجوان ما خالی از ایراد و انتقاد و نقاط ضعف نیست اما خوشبختانه از لحاظ به‌روزیبودن و همگام‌شدن با آثار خارجی نقطه ضعفی ندارد، چون هنرمندانی که در این عرصه کار می‌کنند اکثرا جوان‌اند و ارتباط خوبی نیز با دنیای کودک و آثاری که در این زمینه در دیگر نقاط دنیا تولید می‌شود، دارند. گواه این ادعا نیز توجه به حضورهای بین‌المللی نمایش‌های کودک و دعوتی که از هنرمندان ما به‌عنوان شرکت‌کننده یا حتی داور در جشنواره‌های بین‌المللی می‌شود، است. این مسئله نشان می‌دهد هنرمندان تئاتر کودک شناسگران ماهری هستند و اگر آب در اختیارشان قرار گیرد، می‌توانند بسیار موفق عمل کنند.

اگر به گذشته برگردیم سال‌های ۵۱ تا ۵۷
کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان متولی این نوع تئاتر بود و هرگاه بخواهیم به تاریخ شکل‌گیری تئاتر کودک بازگردیم از این زمان تاریخ را آغاز می‌کنیم
اما در سال‌های بعد این متولی‌گری کمرنگ شد
و کانون ترجیح داد به تولیدات داخلی توجه نشان دهد

اما این حضورهای بین‌المللی اکثرا به صورت مستقل و بدون حمایت‌های دولتی صورت می‌گیرد...

بله، متأسفانه حمایت‌های دولتی بسیار اندک است و از این نظر گلیابه‌های بسیاری وجود دارد. ما بارها اعلام کرده‌ایم تئاتر کودک و نوجوان متولی ندارد که همین مسئله ضایعه بزرگی برای این ژانر تئاتری به حساب می‌آید.

تئاتر دانشگاهی، تئاتر حرفه‌ای و حتی تئاتر دانش‌آموزی در ایران متولی دارند اما اگر شما مشکل پیشنهاد یا درخواستی برای اجرا داشته باشید، نمی‌دانید که باید به کدام نهاد مراجعه کنید. حوزه هنری، شهرداری، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان و آموزش‌وپرورش هرکدام به تنهایی و به

آسیب‌شناسی پژوهش تعزیه در ایران

در تعزیت پژوهش

هومن زندی زاده . دانشجوی دکتری درام در دانشگاه فلیندرز

تعزیه امام حسین(ع) پیدا می‌کند را هیچ‌کس جز او نخواهد داشت. در حیطه مقالاتی که چنین پیوستگی عمیقی با فرهنگ ما دارند، تنها کسی می‌تواند تحلیل نهایی ارائه دهد که آن را زیسته باشد. درست است که افرادی چون پیتر چلکووسکی- تعزیه‌شناس آمریکایی- آثار ارزنده‌ای در این زمینه تألیف کرده‌اند، ولی قرار نیست خودمان را در زندان حرف‌های آنان حبس کنیم و اگر یک پژوهشگر ایرانی استدلالی قوی ارائه کرد، آن را نپذیریم، هر مثال در این زمینه، مقدمه‌ای است که علی بلوکباشی بر کتاب «تعزیه و تعزیه‌خوانی» اثر غنایت‌الله شهیدی نوشته است.

او از ژوزف گوینیو- ادیب- و مستشرق فرانسوی- درباره زبان تعزیه‌نامه‌ها چنین نقل می‌کند «[در این متون] نحوه محاوره و انوس مردم و کوته‌استدالی کلمات معمول و جاری و خلاصه کلام شیوه گفتار هرروزینه و مابه‌الاشتراک عوام بسیار به کار رفته است» (ص ۳۰). چرا بلوکباشی یا هر ایرانی دیگری خود نتواند راجع به زبان تعزیه‌نامه‌ها بحث کند؟ چنین ارجاعات ناجبایی حاکی از شیفتگی ما نسبت به فرهنگ غرب است؛ فرهنگی که گویا بهتر از ما می‌داند که ایرانیان در تعزیه‌هایی که متون مکتوب آنها برجا مانده است، چه زبانی را به کار می‌برند. البته درعین‌حال باید مراقب مسئله «بیگانه‌ستیزی» هم بود. در برخی موارد یک غیرایرانی می‌تواند برخی زوایای ماجرا را از بیرون به‌خوبی تحلیل کند. نمونه این مقاله «روضه‌الشهدا و هنرهای نمایشی در ایران» اثر چلکووسکی است که در شماره بهار و تابستان ۱۳۷۹ «فصل‌نامه تئاتر» چاپ شد. سه، عدم ارجاع؛ شما مطلبی را می‌خوانید و با توجه به مطالعاتی که در آن زمینه داشته‌اید، تا حدی می‌توانید فرضیات را از سطحیات تمیز دهید. ولی نگارنده نمی‌تواند یا نمی‌خواهد منابع

تئاتر

تماشاخانه

نکاتی درباره هامون بازاها یک قدم تاروی حوض

فرشاد نیک‌نژاد

باد وزید و همه اسرار نهان شد، طالع و صالح متاع خویش نمودند. این‌بار خواب دیدم از پلکان قدیمی وارد گرمابه‌ای مخروبه در زیرزمین ساختمان متروکه‌ای شده‌ام که حوض بزرگی میانش پیدا بود. دورتر عالی‌جنابی سیاه‌پوش و سپیدموی با رشته‌هایی از نخ در میان انگشتان دستش بازی می‌کرد و سر دیگر نخ‌ها وصل بود به تعدادی عروسک که روی حوض دیده می‌شدند. نزدیک‌تر که شدم، دیدم تعدادی از عروسک‌ها کوکی هستند. یکی‌شان کوک شده بود که مدام راه برود و فریادزنان فحاشی کند و دشنام دهد. دیگری کوک شده بود که کاریکاتوری از یک موزیسین باشد و هرچند دقیقه یک‌بار دستانش را به شکل مسخره‌ای از بالا به پایین تکان دهد و هروقت هم که کار دیگری نداشت، با سبلی صورت همسرش را نوازش کند.

جناب آقای رحمانیان

به‌راستی هامون بازا اینها بودند که شما نشان دادید، یکی بدهدن و فحشاش، دیگری الکلی و معتاد و زن باز و یکی دیگر از تکمیل تصنیف قسمتی از یک قطعه موسیقی عاجز است و مدام دست روی همسرش بلند می‌کند و از همه مسخره‌تر آنکه طوطی‌وار، تیت‌ز و دیالوگ‌های فیلم را حفظ کرده است.

شیفتگان هامون اینها بودند؟

تا جایی که می‌دانسم، جماعت محترم بازنگران تئاتر بر این ادعا اصرار دارند برای اجرای نقشنشان، در یک فرایند سخت و زمان‌بر، تا قالب شخصیت فرومی‌زده و مدت‌ها پس از اجرا هم درگیر آن شخصیت خواهند ماند. مانده‌ام گروه نمایشی آقای رحمانیان که تا اواخر خردادماه در قالب شخصیت سینمایی من فرورفته بودند، چطور توانستند از ۲۹ جای در قالب شخصیت جدیدشان جای بگیرند؟ اصلا کدام شخصیت؟ نمایش ایشان که شخصیت‌پردازی نداشت، حتی در تیپ‌سازی هم ناموفق بود با اغماض و ارفاق و به کمک تبصره و تکت‌مدامه، می‌توان بازی می‌هتاب تصیریور را در مزن نمره قبولی قرار داد آن هم بیشتر به جهت ادای موفقیت‌آمیز لحن و لهجه صدای مششید. اینکه یک گروه نمایش حرفه‌ای بلافاصله پس از تمرین و اجرای یک نمایش، تمرین و اجرای نمایش دیگری را آغاز کند، فقط یک دلیل برایش قابل تصور است: کیشه، متنی مغشوش و بی‌محتوا و پر از متلک و فحش و اجرائی شتاب‌زده و غیرحرفه‌ای و فاقد ارزش نمایشی و هنر بازیگری که تراش هامون‌بازی روی آن گذاشته شد، فقط به یک دلیل، کیشه.

جناب اسادر رحمانیان

شما که از هامون بدتان می‌آمد، باید آن را نقد و تحلیل می‌کردید و از منظر هنری به آسیب‌شناسیش آن می‌پرداختید. اما شما هامون را هجو کردید و هامون‌بازها را به سخره گرفتید. نه فیلم هامون شایسته استهزا و نه هامون‌بازهای واقعی، لایق مسخر شما و خروشان بودند. چه بخوانید یا نه! هامون حتی از دید کسانی که دوستش ندارند، نقطه‌عطفی در تاریخ سینمای ایران است. شما همیشه از این کله داشتید بهترین سالن نمایش تهران را در اختیاراتان قرار نمی‌دند و جای بسی تأسف است که وقتی نوبت به شما رسید، نتیجه‌اش شد هامون‌بازها که می‌توانستید در گلریز یا بولینگ هم اگرایش کنید. همین امروز اگر بهترین سالن سینمای تهران در بهترین سانسین در اختیار فیلم هامون قرار گیرد، قطعاً تعداد تماشاگرانش از اجرای شما بیشتر خواهد شد و کارگردانش مجبور نخواهد بود در ابتدای اجراهای کاشنه تا چهارشنبه، از تماشاگران حاضر در بالکن‌ها خواهش کند تا به طبقه محکم پایند و قسمتی از انبوه صندلی‌های خالی را پر کنند.

پرده آخر

تأملی بر تئاتر کودک ونوجوان

تنها با عشق وباور



آناهیتا غنّی زاده
کارگردان و پژوهشگر

بدون مقدمه با هم می‌خواهم حرف‌های تکراری بزنم. حرف که نه! خواسته‌هایی که بارهاوبارها از آنها گفته‌ایم و به‌نظر می‌رسد تا تحقق و دستیابی به آنها نیز باید گفته شوند؛ هرچند تکراری. تجربه نشان داده است اصولا در استمرار، تأکید و البته با منطق، تجزیه و تحلیل مناسب، بهتر می‌توان نتیجه گرفت. آیا می‌توان از برگزاری جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک ونوجوان همدان که یکی از مؤثرترین و شناخته‌شده‌ترین جشنواره‌های ایران و حتی جهان است، صحبت کنیم بدون توجه به حامیان معنوی و اقتصادی آن؟ آیا می‌توان از جشنواره معتبر بین‌المللی تئاتر کودک ونوجوان سخن گفت و به آن فکر کرد، ولی از دست‌اندرکاران، فعالان، محققان، پیش‌کسوتان و... این حیطه که حامیان معنوی جشنواره هستند، سخنی به‌میان نیاورد؟ از مسئولان و برگزارکنندگان و بودجه‌ای که در اختیار جشنواره قرار می‌دهند و اقتصاد آن، یا حتی به آنهایی که سیاست‌های اجرائی آن را تعیین می‌کنند، آیا می‌توان تنها گذری کوتاه کرد و به آنها نپرداخت؟ به اینکه بارهاوبارها گفته‌ایم و استدلال آورده‌ایم که تداوم و تأثیر بیشتر جشنواره در گرو باور آن و جدی‌گرفتن آن است؛ یعنی داشتن دبیرخانه دائمی جشنواره، فعالیت دفتر جشنواره در طول سال و استمرار فعالیت آن در حوزه‌های مختلف که خود البته حمایت‌های جدی‌ای را طلب می‌کند و مطمئنا وقتی جشنواره بودجه و اختیارات کافی داشته باشد، دبیر ثابت داشته باشد تا با آسیب‌شناسی دوره‌ها و تجربه‌های قبلی بتواند از جایی که هست، ادامه دهد و نیاز به شروع مجدد و عقب‌نشینی نداشته باشد، بهتر می‌تواند برنامه‌ریزی کند و جشنواره حرفه‌اتر و قوی‌تری برگزار شود، چگونه می‌توان از جشنواره تئاتر کودک ونوجوان سخن گفت و به کانون تئاتر کودک و نوجوان و خانه تئاتر نپرداخت؛ مرکزی که متشکل از اعضای این صنف است و دست‌اندرکاران و فعالان تئاتر کودکان ونوجوانان همگی ازجمله اعضای آن هستند، بیش از ۲۰۰ نفر عضوی که بدون هیچ حمایت (معنوی و مادی) بدون امنیت شغلی و فقط با عشق و باور کودکان و نوجوانان با انرژی در شهرها و شهرستان‌ها طوطی‌وار، در بخش‌های گوناگون مانند آموزش‌وپرورش، تحقیق و پژوهش، نگارش، تولید و اجرای تئاتر برای فرزندان سرزمینان فعالیت می‌کنند. آیا می‌توانیم‌از کانون صنفی و اعضای آن صحبت کنیم و آموزش‌وپرورش، سازمان بهزیستی و... را بنبینم و نشنوم؟ هرچند با تأسف باید گفت آنها ما را نه می‌بینند و نه می‌شنوند! ارکان‌ها بعد از خانواده، نخستین جامعه جدی و رسمی هستند که ما فرزندانمان را باور کنند از طریق نمایش می‌توان ویژگی‌های شخصیتی سسل‌ها را در کودکی ساخت و پرورش داد، مهارت‌های فردی و اجتماعی آنها را تقویت کرد و در نتیجه مهارت زندگی‌کردن را به آنها آموخت! امید تنها انگیزه خستگی‌ناپذیر و همراه ماست که در دل همه ما که با کودکان ونوجوان سروکار داریم، همچنان وجود دارد و موجب می‌شود ما با حرف‌های تکراری‌مان، تلاش کنیم از جودندانمان و باور شوم. چگونه می‌توان انتظار داشت تا جشنواره‌ای درخشان برگزار کنیم، اما هنوز در مهدکودک و مدارس و محله‌ها و شهرها و درنتیجه در سبد خانواده‌ها تئاتر کودک و نوجوان از جایگاه مؤثر و واقعی خود خبری نباشد؟ چگونه است از جشنواره تئاتر کودک ونوجوان حرف می‌زنیم، اما از تنها سالن حرفه‌ای آن تالار «هنر» در پایتخت حرفی زده نمی‌شود؟ از مرکز هنرهای نمایشی و انجمن نمایش که قلعه‌ای حامیان، حامیان درک‌رکنان و فعالان هستند، اما حاضر به پذیرفتن و قرارداد تیپ مصوبه خانه تاتر و اجرای آن در پرداخت کمک هزینه و دستمزد و تولیدکنندگان تئاتر کودک و نوجوان نیستند، بهتر است حرفی به‌میان نیاوریم! حال اگر ما درخواستی داشته باشیم، معلوم نیست باید آن را کجا ارائه دهیم. به کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان در دو بخش مؤثر و به‌ظاهر فعالش انتشارات و تولید تئاتر از آسیتز که کما فعال است و گاه خاموشی می‌توان از جشنواره گفت و از آنها نگفت؟ از بخش تئاتر کودک ونوجوان حوزه هنری چطور؟ یا از بنیاد تازه‌تاسیس تئاتر کودک ونوجوان؟ از کدام بگذریم یا از کدامشان درباره برگزاری و بهتر برگزارکردن جشنواره می‌توان گذشت؟ از اینکه چند سالی است بحث تأسیس رشته تئاتر کودک ونوجوان در دانشگاه به‌عنوان یک گرایش تخصصی مطرح شده تا مشکلات و اعضای علاقه‌مند را جذب تحصیل کند، بهتر است صحبت کنیم یا از شهرداری و سازمان فرهنگی هنری آن، فرهنگسراها، خانه فرهنگ یا سرای محله و فعالیت‌های آنها برای کودک ونوجوان و مراکز حامی تئاتر کودک ونوجوان بودن آنها و ارتباطشان به برگزاری بهتر و حرفه‌ای‌تر جشنواره، بهتر است فعله حرفی به میان نیاوریم، چراکه همه ما سوازی‌کاری می‌کنیم و یا بهتر بگوییم ما به موزاتر حضور داریم اما بدون هیچ‌مانگی و باذهی مناسب، فقط وجود داریم! درنهایت آیا می‌توان به جشنواره بین‌المللی تاتر کودک ونوجوان اهمیت داد، بدون آنکه از خردسالان و کودکان ونوجوانان جامعه روزمان حرفی بزنیم؟ بدون آنکه از خودمان به‌عنوان فعالان و دست‌اندرکاران تئاتر کودک در بخش‌های مختلف بی‌رسیم. آیا مخاطبان امروز خود را می‌شناسیم؟ یا برای شناخت بیشتر آنها چه اقداماتی انجام می‌دهیم؟ آیا با وجود منابع نسبتا مناسب، پژوهش و مطالعه می‌کنیم؟ آیا در جریان مسائل به‌روز‌شده کودکان و نوجوانان امروز هستیم؟ همه ما مانند زنجیری بر قدرت به‌هم مرتبط و متصل هستیم. اگر هر بخش از این زنجیره که عرصه‌ی اتصال کم‌رنگ باشد یا نباشد، زنجیر آسیب خواهد دید. درنتیجه وقتی سخن از کودکان ونوجوانان و تربیت و پرورش نسل آینده به‌میان می‌آید، ضرورت حفظ و قدرت‌بخشی به این زنجیره که عرصه‌ی تک‌تک ماست با احساس مسئولیت فوق‌العاده، همراه می‌شود. باور کنید این شعار نیست، بلکه پشتیبانی و حمایت از یکدیگر، می‌تواند عین عمل باشد. بیاییم کودکان ونوجوانمان را ببینیم و جدی‌شان بگیریم و باور داشته باشیم برای آینده‌ای بهتر با همکاری، همدلی، برنامه‌ریزی و آگاهی، می‌توانیم این اتصال را محکم کنیم و جشنواره و جشنواره‌های حرفه‌ای و پر قدرت‌تری را برگزار کنیم و درنتیجه جدا از حرف‌های تکراری در آینده پرهیز کنیم.